



زمینه‌های تاریخی و علمی گرایش شریف مرتضی به نظریه «صرفه»

امیر احمدنژاد^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۲۵

عاطفه محمدزاده^۲

تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۰۲/۱۶

چکیده

سید مرتضی، ادیب و متکلم نام‌دار شیعه، از قائلان به نظریه «صرفه» است. او به اقتضای شرایط محیطی و با آگاهی از ویژگی‌های صرفه، آن را برگزید. برخورد با بحران اشکال‌گیری یهودیان و مسیحیان غیرعرب در بحث اعجاز قرآن، مباحثات کلامی مکاتب اسلامی در تبیین وجوه اعجاز و ایجاد فضای آزاد در این نوع مجادلات، از مهم‌ترین عوامل تاریخی گزینش این نظریه از سوی او به شمار می‌رود. تأملات ادبی و کلامی سید، اعم از لزوم تکیه بر معیارهای غیرذوقی در سنجش بلاغت قرآن، پیچیدگی تفهیم امتناع هم‌وردی با قرآن در تقریرهای اعجاز بیانی و عمومیت فهم‌پذیری صرفه نیز، در انتخاب این نظریه از سوی او تأثیر بسزایی داشته است. نوشتار حاضر می‌کوشد تا ضمن بررسی منشأ طرح این نظریه در عصر سید مرتضی، زمینه‌های تاریخی و علمی رویکرد وی را مورد تحلیل قرار دهد.

واژگان کلیدی

صرفه، سید مرتضی، اعجاز قرآن، رویکرد.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان (amirahmadnezhad@outlook.com). (نویسنده مسئول)
۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث پردیس فارابی دانشگاه تهران (at.mohammadzadeh@ut.ac.ir).

مقدمه

یکی از مسائل بحث‌برانگیز دربارهٔ اعجاز قرآن، وجوه اعجاز این کتاب است. این مسئله نه تنها در منابع کلامی که در تفاسیر و تألیفات علوم قرآنی نیز راه یافته است. از وجوهی که باورمندی به آن سابقه طولانی دارد «صرفه» است. به نظر می‌رسد این قول از نخستین وجوهی است که در بین دانشمندان اسلامی مورد بحث و گفت‌وگو بوده و دربارهٔ آن بررسی و نقدهای فراوانی صورت گرفته است. این اعتقاد، در قرن چهارم و پنجم هجری، مورد توجه بسیاری بوده و به عنوان نظریهٔ معروف در اعجاز قرآن، جای خود را تثبیت کرده است؛ اما در قرون بعد، عده‌ای آن را متزلزل دانسته و در اعتبار آن تردید کرده‌اند (مؤدب، ۱۳۷۹: ۱۳۶). قائلان به صرفه، فرق چندان زیادی میان قصیده‌های معروف عرب و آیات قرآن از حیث نظم نمی‌دیده‌اند و ناتوانی بشر را به ذات جملات و نظم و بلاغت قرآن نسبت نمی‌داده‌اند (شریف مرتضی، ۱۴۲۴ق: ۳۸)، بلکه آن را ناشی از قدرت خداوند در سلب انگیزه، توانایی یا دانش بشر در زمان معارضه یا از مدت‌ها قبل از آن، یعنی از آغاز حیات انسان تلقی می‌کرده‌اند (معرفت، ۱۴۱۵ق، ۴: ۱۳۸ و ۱۳۹).

عموم کسانی که در وجه اعجاز قرآن سخن گفته‌اند و از صرفه نیز یاد کرده‌اند، سید مرتضی را در شمار قائلان به صرفه نام برده‌اند. نقطهٔ اشتراک این محققان در تحلیل دیدگاه سید آن است که نوعاً دلایل فرامتنی، به‌ویژه اقتضانات محیطی، حضور مخالفان برون‌دینی در زمان وی و نیز خصوصیات ذاتی صرفه را در علت‌گزینش این نظریه از سوی او نادیده گرفته‌اند (ر.ک: معرفت، ۱۴۱۵ق، ۴: ۱۵۲؛ رافعی، ۱۴۲۱ق: ۱۰۲؛ مؤدب، ۱۳۷۹: ۳۵).

تأملات دقیق این دانشمند در موضوعات گوناگون کلامی، تفسیری و به‌ویژه مسائل ادبی، از سویی و تأکید بر صرفه از سوی دیگر، ناسازگاری ظاهری‌ای بین شخصیت علمی و دیدگاه او در اذهان ایجاد می‌کند. نگارش حاضر می‌کوشد تا با توجه به بستر تاریخی نظریهٔ صرفه و تمایزات ذاتی این دیدگاه از سایر وجوه اعجاز، چرایی طرح آن را از سوی سید مرتضی بیان کند و بدین وسیله ابعاد آرای او دربارهٔ اعجاز قرآن را آشکارتر سازد. بدین منظور، پس از آشنایی مختصر با پیشینهٔ این نظریه و حیات علمی سید، فضای تاریخی روزگار وی، به‌ویژه در حوزهٔ تعامل جامعهٔ اسلامی با ادیان و مذاهب گوناگون، و همچنین زمینه‌های کلامی - ادبی در تبیین اعجاز قرآن را به بحث می‌گذارد و با تکیه بر این دو مؤلفه، دیدگاه وی را از زاویه‌ای جدید می‌کاود.

دربارهٔ نظریهٔ «صرفه» مقاله‌ها و کتاب‌های متعددی نوشته شده، اما در میان پژوهش‌های نشریافته که تا حدودی به موضوع نوشتار حاضر مربوط است، تنها می‌توان به سه مقالهٔ زیر

اشاره کرد: «سیر تاریخی اندیشه اعجاز قرآن» به قلم ریچارد مارتین در مدخل «همتاناپذیری» *دایره‌المعارف قرآن* و ترجمه سیدعلی آقایی که در شماره ۵۴ و ۵۵ فصلنامه پژوهش‌های قرآنی در سال ۱۳۸۷ به چاپ رسیده و نیز مقاله «ریشه‌های تکوین نظریه اعجاز قرآن و تبیین وجوه آن در قرون نخست» نوشته مرتضی کریمی‌نیا که در شماره یکم مجله پژوهش‌های قرآن و حدیث در سال ۱۳۹۲ منتشر شده است. این دو نوشته به بررسی کلی زمینه‌های طرح نظریه اعجاز قرآن و سیر تحول آن پرداخته‌اند و هیچ‌یک به طور خاص و به تفصیل، بحث از وجوه اعجاز و به‌ویژه صرفه را مطرح نکرده و صحبتی از علل علمی گرایش به این نظریه از سوی اندیشمندان شیعی به میان نیاورده‌اند. مقاله «نقش معتزله بصره در شکل‌گیری نظریه اعجاز قرآن» نیز که نگاشته ریچارد مارتین بوده و در سال ۱۹۸۰ در شماره سوم مجله *مطالعات خاور نزدیک* چاپ شده، توسط مهرداد عباسی ترجمه و در شماره ۴ فصلنامه پژوهش‌های قرآنی در سال ۱۳۹۱ نشر یافته است؛ اما برخلاف نوشتار حاضر که از تلاش عالمی شیعی در دفاع از قرآن پرده برداشته و عوامل طرح این نظریه را در دورانی خاص بیان کرده، بیشتر به تلاش فرقه اعتزال در طرح اندیشه اعجاز پرداخته است.

بنابراین، مطابق با پیشینه فوق، مقاله حاضر سابقه پژوهشی نداشته و تاکنون در راستای آن تحقیق نشریافته‌ای ملاحظه نشده است.

پیشینه نظریه صرفه

برخی از محققان غربی سعی کرده‌اند نشان دهند اندیشه صرفه پیش‌تر از اسلام، در مسیحیت وجود داشته است. از نمونه‌های موردنظر آن‌ها نوع تفکر یکی از آباء کلیسا؛ به نام لاکتانتیوس (حدود ۲۴۰-۳۴۰م) بوده است. (Von Grunnebaum, 1993, 3:1019). شاید بر همین اساس است که «جان ونزبرو» در کتاب *مطالعات قرآنی* به وجود ابهاماتی درباره اشتباه فرقه اعتزال در طرح نظریه صرفه، اشاره کرده است. از نظر وی، چون آرای معتزله را در این باب اغلب دشمنان پیروزمند آن‌ها نقل کرده‌اند، به درستی نمی‌توان تشخیص داد رأی ایشان در باب صرفه، نوعی واکنش به برخی آرای علمی موجود در جامعه اسلامی و غیراسلامی بوده یا صرفاً ناشی از ابتکار خود ایشان در حل مسئله ادله نبوت پیامبر ﷺ و حقانیت دین اسلام بوده است (کریمی‌نیا، ۱۳۹۲: ۱۳۳).

در این میان، ابوزهرة با یافتن شاهی در «تحقیق ما للهند»، اثر ابوریحان بیرونی، خاستگاه این نظر را باور هندوهای بیانی می‌کند که خدایان برهمایی را عامل منصرف کردن افراد در تقلید از کتاب‌های مذهبی‌شان می‌دانستند؛ چنانچه در کتاب *المعجزة الكبرى القرآن* آمده در

دوران منصور، خلیفه دوم عباسی (م. ۱۵۶ق)، و خلفای پس از او، افکار هندی به جامعه اسلامی رسوخ کرد. کسانی که تجددگرا و دنبال افکار بیگانه بودند، این نظر را پذیرفتند و آن را بر قرآن نیز منطبق کردند. نظریه صرفه از آن زمان وارد جامعه اسلامی شد و کمابیش متکلمان و دیگران از آن استقبال کردند تا این که در اوایل قرن سوم، نظام، یکی از متکلمان معروف معتزلی، این نظریه را به طور علنی بیان کرد و آن را گسترش داد. وی آن چنان بر محور این نظریه بحث و بررسی کرد و از آن دفاع نمود که گویی یکی از مباحث علم کلام است. بدین صورت، قول صرفه به عنوان یک ایده کلامی به او منتسب شد (ابوزهرة، ۱۴۱۸ق: ۵۷-۵۹).

به هر حال مسلم است که باید بین ورود نظریه صرفه در میان مباحث کلامی و استفاده از آن در بحث اعجاز قرآن تفاوت زمانی قائل شد. بحث از دلیل بی‌اطلاعی سلیمان رضی الله عنه از علت غیبت هدهد که ظاهراً ناشی از انصراف ذهن ایشان به خاطر مصلحتی از سوی خدا بوده، نشان می‌دهد این نظریه نخستین بار در رابطه با موضوعات کلامی مطرح شده و پس از آن در تبیین وجه اعجاز قرآن به کار رفته است (جاحظ، ۱۳۸۸ق، ۴: ۸۵-۹۰).

نکته دیگر این که، نباید تصور کرد نظریه صرفه نخستین بار از سوی سید مرتضی مطرح شده، بلکه طبق قول مشهور، این اندیشه پیش از وی، به برخی از متکلمان معتزلی منسوب بوده است (ر.ک: ادامه مقاله حاضر). به هر رو با توجه به مدارک و اسناد موجود می‌توان موافقان صرفه را در یکی از سه گروه زیر جایابی کرد:

الف. معتزله

گرچه بسیاری از معتزله قائل به صرفه بوده‌اند (تفتازانی، ۱۴۰۹ق: ۲۸۵)، اما نام‌دارترین حامیان این نظریه در میان آن‌ها عبارتند از:

۱. ابراهیم بن سيار نظام (م. ۲۳۱ق): نظریه صرفه را نخستین بار نظام، دانشمند بزرگ معتزلی مطرح کرده و بعدها، برخی از اشاعره، اهل سنت و شیعیان، آن را رونق بخشیدند (سبحانی، ۱۴۱۲ق، ۳: ۳۳۷ و ۳۳۸).

۲. جاحظ (م. ۲۵۵ق): او از شاگردان نظام و از سران معتزله بوده که قول صرفه را یکی از وجوه اعجاز قرآن دانسته است. وی به رغم این که قرآن را در اوج فصاحت و بلاغت می‌دید، اما در برخی از آثارش نتوانسته خود را از اندیشه صرفه برهاند (جاحظ، ۱۳۸۸ق، ۴: ۸۵-۹۰).

۳. علی بن عیسی الرمانی (م. ۳۸۴ق): وی یکی دیگر از مشاهیر معتزله بوده و در کتابی با عنوان *النکت فی اعجاز القرآن*، صرفه را در کنار بلاغت و دیگر وجوه اعجاز گرد آورده است (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ۲: ۲۴۹).

۴. ابواسحاق نصیبی (م ۴۴۹ق): او از دانشمندان معروفی است که در منابع گوناگون، موافق با نظریه صرفه معرفی شده است، اما از وی کتابی در دست نیست (معرفت، ۱۴۱۵ق، ۴: ۶۱).

ب. اشاعره و اهل سنت

دو تن از طرفداران صرفه در این گروه عبارتند از:

۱. ابواسحاق اسفرائینی (م. ۴۱۸ق): او از متکلمان برجسته اشاعره بوده و برخی محققان در آثار خود از او یاد کرده‌اند (ایچی، ۱۳۲۵ق، ۸: ۲۴۶).

۲. ابن حزم اندلسی (م. ۴۵۶ق): از بزرگ‌ترین متفکران فرقه ظاهریه و منسوب به اهل سنت بوده است. وی در کتاب *الفصل فی سبب الإعجاز ضمن بیان این که بلاغت قرآن از نوع بلاغت مردم نیست، خداوند را مانع انسان از آوردن مانند قرآن دانسته است* (معرفت، ۱۴۱۵ق، ۴: ۱۴۷).

ج. شیعه

از معروف‌ترین علما و متکلمان بزرگ شیعه که هم قبل از سید مرتضی، و هم بعد از او، قائل به صرفه بوده‌اند، می‌توان به شخصیت‌های زیر اشاره کرد:

۱. شیخ مفید (م. ۴۱۳ق): شیخ مفید از دانشمندان برجسته‌ای است که کلام شیعی در استواری خود به او وام‌دار است. او در کتاب *اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات*، صرفه را به عنوان دلیلی بر نبوت پیامبر ﷺ مطرح کرده است (مفید، ۱۴۱۳ق: ۱۸)؛ با این حال، به عقیده برخی، ایشان اعجاز قرآن را در فصاحت و بلاغت می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۸۹: ۱۲۷).

۲. سید مرتضی علم‌الهدی (م. ۴۳۶ق): سید مرتضی از علمای بزرگ شیعی است که با وجود شهرت خود در علوم ادبی، دیدگاه صرفه را بر وجه بیانی اعجاز قرآن ترجیح داده است (شریف مرتضی، ۱۴۱۱ق: ۳۷۸). با توجه به موضوع اصلی نوشتار حاضر، در ادامه، دلایل رویکرد او به صرفه به تفصیل خواهد آمد.

۳. ابوالصلاح حلبی (م. ۴۳۷ق): حلبی، متکلم معروف شیعه و از شاگردان سید مرتضی بوده است (معرفت، ۱۴۱۵ق، ۴: ۱۴۱). وی در کتاب *تقریب المعارف*، صرفه را در رأس وجوه اعجاز قرآن معرفی کرده است (شریف مرتضی، ۱۴۲۴ق: ۲۰).

۴. ابن‌سنان خفاجی (م. ۴۶۶ق): خفاجی، ادیب و شاعر شیعه، در کتاب *سرّ الفصاحه*، دیدگاه صرفه را برگزیده و سلب علوم از معارضه‌کننده را صحیح خوانده است (خفاجی، ۱۳۷۲ق: ۱۰؛ حمصی، ۱۴۰۰ق: ۸۵).

۵. سدیدالدین حمصی (م. ۵۸۰ یا ۵۹۰ق): حمصی، یکی از علمای بزرگ است که در کتاب

کلامی خود با عنوان *المعتمد من مذهب الشیعة الإمامیه*، برخی وجوه اعجاز قرآن از جمله قول به صرفه را نام برده و آن را نشانه‌ای از صدق نبوت خوانده است (حمّصی، ۱۳۷۶: ۲۴).

با توجه به این پیشینه، به نظر می‌رسد قول صرفه در زمان‌های گذشته، ارزش و اعتبار فراوانی داشته و افراد متعددی قائل به آن بوده‌اند. بدین جهت، در صورت از بین رفتن و یا در دسترس بودن کتب کلامی بسیاری از متکلمان متقدم، احتمال معرفی تعداد بیشتری از طرفداران این دیدگاه وجود داشت.

سید مرتضی و نظریه صرفه

سید مرتضی علم‌الهدی (۳۵۵-۴۳۶ق)، ادیب، متکلم و مفسر برجسته شیعه، یکی از قائلان به نظریه صرفه است. او پس از ارائه تعریف معجزه و بیان شروط آن (شریف مرتضی، ۱۴۱۱ق: ۳۲۸؛ شریف مرتضی، ۱۴۲۴ق: ۱۹۹)، مهم‌ترین وجوهی را که دانشمندان مسلمان قائل به آن هستند، ذکر کرده و نشان می‌دهد که این وجوه، فاقد شروط اصلی معجزه بوده و با تعریف آن همخوانی ندارد (شریف مرتضی، ۱۴۱۱ق: ۳۷۸ و ۳۷۹). بر همین اساس، با این که به فصاحت، بلاغت و نظم قرآن توجه دارد، اما آن‌ها را از وجوه اعجاز به شمار نمی‌آورد و بر وجه صرفه تأکید می‌ورزد. از نگاه سید، مراد از صرفه این است که هر کس قصد کند با قرآن معارضه کند یا به معارضه بیندیشد، خداوند علومی را که لازمه آوردن کلامی به فصاحت و نظم قرآن باشد، از او می‌گیرد و اگر در سرودن شعر و بیان خطبه و ایراد سخنان مختلف به روش خود عمل کند، خدا او را با علومش وامی‌گذارد (شریف مرتضی، ۱۴۲۴ق: ۳۵ و ۳۶).

سید در غالب تألیفات کلامی خود، این نظریه را مطرح کرده و در دفاع از آن کوشیده است؛ چنانچه در کتاب *الذخیره فی علم الکلام ضمن نقل اقوال در وجوه اعجاز قرآن می‌گوید: «در وجه اعجاز قرآن، اختلاف است. طبق نظر گروهی، وجه دلالت قرآن بر نبوت، این است که خداوند عرب را از معارضه منصرف می‌کند و آن‌ها را از علمی که به آن تکیه می‌کنند تا به لحاظ نظم و فصاحت کلامی مثل قرآن بیاورند، سلب می‌کند و اگر این صرف نبود، آن‌ها معارضه می‌کردند.» و در ادامه، نظر خود را این‌گونه بیان می‌کند: «من قول به صرفه را انتخاب کردم و در کتاب خود که به نام "الموضح عن جهة اعجاز القرآن" معروف است، به تقویت آن پرداخته‌ام» (شریف مرتضی، ۱۴۱۱ق: ۳۷۸).*

سید مرتضی در کتاب *الموضح عن جهة اعجاز القرآن* نظریات دیگر در باب وجوه اعجاز قرآن را رد کرده، اشکالات و شبهات مربوط به نظریه صرفه را به تفصیل مطرح کرده و به آن‌ها پاسخ

داده است (شریف مرتضی، ۱۴۲۴ق: ۱۰۷-۱۵۵ و ۲۶۵-۲۷۴). وی هم‌چنین در کتاب *رسائل الشریف المرتضی* در بحثی با عنوان «معرفة وجه اعجاز القرآن» از نظریه صرفه دفاع کرده و آن را همراه با نظریه فصاحت قرآن در اثبات اعجاز قرآن لازم دانسته است (شریف مرتضی، ۱۴۰۵ق، ۲: ۳۲۳-۳۲۷). از سید مرتضی کتاب دیگری به نام *جمل العلم والعمل* هم باقی مانده که جزء آخرین تألیفات اوست. سید در این نوشته نیز قول به صرفه را به عنوان نظریه معیار، بیان کرده است (شریف مرتضی، ۱۳۸۷ق: ۴۱).

با مرور دلایل سید مرتضی در ردّ یا تضعیف دیگر وجوه اعجاز و گزینش نظریه صرفه می‌توان از تلاش وی جهت اسکات مخالفان پرده برداشت. تحولات اجتماعی دوران حیات علمی این عالم نشان می‌دهد علت سوق یافتن متکلمان عقل‌گرایی چون ایشان به صرفه و پرداختن به آن به عنوان وجه اعجاز قرآن، بر عللی فرامتنی استوار است. مهم‌ترین این علت‌ها، زمینه تاریخی و علمی است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

شایان ذکر است، منظور از زمینه‌های تاریخی، شرایط مذهبی و فرهنگی حاکم بر محیط زندگی سید و منظور از زمینه‌های علمی، اندیشه‌های کلامی و ادبی او به همراه ویژگی‌های ذاتی صرفه است.

۱. زمینه تاریخی

تبیین دقیق هر نظریه، نیازمند تأمل در بستر تاریخی آن نظریه است. در کاویدن دیدگاه صرفه، انجام این مهم را با بررسی سیر تطور آراء درباره وجوه اعجاز قرآن پی می‌گیریم. بحث از اعجاز قرآن پس از موضوع تحدی و با طرح مسائلی از سوی اهل کتاب در خصوص قرآن و پیامبر اسلام ﷺ نمود پیدا کرد. سال‌ها پس از عصر نزول، برخی از عالمان یهودی و مسیحی در صدد بیان برتری دین و پیامبر خود، ردیه‌هایی علیه قرآن نوشتند یا در گفت‌وگو با مسلمانان به اظهار نظرهایی باطل در این باره پرداختند؛ برای مثال ابونوح انباری، یکی از مسیحیان نسطوری بود که در قرن سوم کتاب *تفنید القرآن* را نگاشت (پارسا، ۱۳۸۹: ۱۴۰ و ۱۴۱). از این‌جا بود که عالمان اسلامی در صدد پاسخ‌گویی برآمدند. رساله مستقل ابوعبدالله الواسطی با عنوان «اعجاز القرآن» و نیز رساله عبدالله بن اسماعیل الهاشمی که شامل مکاتبه او با عبدالمسیح کندی بوده، شواهدی از این دست هستند (ابن‌ندیم، ۱۳۴۸ق: ۲۴۵؛ کندی، بی‌تا: ۱۶۵-۲). بدین ترتیب، هرچند نخستین مباحثات کلامی به ندرت در باب اعجاز قرآن بود، از نیمه اول قرن سوم به این موضوع و جوانب آن پرداخته شد (حمصی، ۱۴۰۰ق: ۳۶-۴۱).

وجوه اعجاز، موضوع دیگری بود که از قرون اولیه دیدگاه‌های گوناگونی را به خود اختصاص

داد؛ به طوری که نظریه مطرح در قرن چهارم و پنجم و در بغداد، یعنی در دوران حیات سید مرتضی و محل اقامت او، با قرون نخست و در مناطق دیگر مانند مدینه، کوفه، بصره و... کاملاً همسان نبود. این بدان جهت بود که تحولات جامعه و فضای حاکم در هر زمان و مکانی، شرایط ویژه‌ای در پاسخ‌گویی به مسائل دینی و مذهبی می‌آفرید. بحث از صرفه و تحلیل رویکرد سید نیز متأثر از همین موضوع است. شاید بتوان گفت از مهم‌ترین مسائل تأثیرگذار در ارائه این نظریه از سوی ایشان، وجود بحران اشکال‌گیری یهودیان و به‌خصوص مسیحیان غیرعرب و شکل‌گیری مکاتب کلامی مختلف در میان مسلمانان بود که در ادامه به تفصیل می‌آید:

۱-۱. مجادلات کلامی بین ادیانی

گذشت که عواملی، ذهن دانشمندان مسلمان را درباره مسئله اعجاز قرآن به خود مشغول کرد. تلاش برای اثبات معجزه بودن قرآن در قرون نخست، از اختلاف‌های عقیدتی میان مسلمانان و دیگر ادیان نشئت می‌گرفت. این اختلاف‌ها بیشتر حول مسئله نبوت و صدق ادعای پیامبران موج می‌زد.

اعتقاد به انبیای الهی، وجه مشترک اعتقادی در میان یهودیان، مسیحیان، زرتشتیان و دیگر جوامع دینی بود که در سده‌های اول و دوم تحت حاکمیت اسلام قرار گرفتند. در این بافت فرهنگی و دینی مشترک، ادعاهایی درباره اعتبار کتب مقدس هر یک از این جوامع و پیامبرانی که این کتاب‌ها را با خود آورده بودند، موضوع مجادلات بی‌وقفه و طولانی در میان مسلمانان، مسیحیان، یهودیان و دیگران و نیز در بین فرقه‌های مسلمان گردید (حمصی، ۱۴۰۰: ۳۶؛ 906-Martin, 2002, 3: 905).

مسلمانان برای اثبات حقانیت رسالت پیامبر ﷺ، برتری دین اسلام بر مسیحیت و ابطال اندیشه تثلیث، از متون و روایات اسلامی و گاه عهد قدیم و عهد جدید کمک می‌گرفتند و در مقابل، مسیحیان، شواهدی را از متن قرآن یا کتاب آسمانی خود ارائه می‌کردند. اهل کتاب در آثار خود معجزات مشهور موسی و عیسی علیه السلام را به تفصیل ذکر کرده و مسلمانان نیز علاوه بر بیان معجزات نقل شده در تاریخ برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، به بحث درباره وجوه اعجاز قرآن می‌پرداختند. متون متعددی، مجادلات بین مسلمانان و فرقه‌های مختلف یهودی و مسیحی را که در جامعه اسلامی زندگی می‌کردند، گزارش کرده‌اند؛ برای مثال، «کمیلا آذنگ» در کتاب نگاشته‌های مسلمانان در باب یهودیت و عهد قدیم از «ابن‌ربین» تا «ابن‌حزم» به موضوع اسلام و یهودیت پرداخته و «سمیر خلیل سمیر»، «مارک سوانسون» و «دیوید توماس» در کتب متعدد خود، جدل‌ها و مباحثات متقابل مسلمانان و مسیحیان را ثبت کرده‌اند (کریمی‌نیا، ۱۳۹۲: ۱۲۲).

گفته شد که اثبات اعجاز قرآن پس از طرح نخستین مباحث کلامی و از نیمه اول قرن سوم اوج گرفت. ظهور کتاب‌هایی مستقل تحت عنوان «معجزات النبی» و «نظم القرآن» در قرن سوم و یا نگارش تألیفاتی با موضوع «اعجاز قرآن» در قرون چهارم به بعد که بخشی از فرایند پاسخ‌گویی به اهل کتاب بوده، گواه این مطلب است. فهرست موجود در مقدمه تحقیق «محمد یسری سلامه» بر کتاب *ثبوت النبوت* که حاوی بیش از پنجاه عنوان کتاب از عالمان اسلامی است، شاهد دیگری بر این مدعا است (ر.ک: کریمی‌نیا، ۱۳۹۲: ۱۲۱-۱۲۵). این آثار به طور عمده به بحث از بشارت کتب آسمانی پیشین درباره رسالت پیامبر اسلام ﷺ، اتمی بودن آن حضرت، معجزات صادرشده به دست ایشان و اعجاز قرآن پرداخته‌اند (الشرفی، ۱۴۲۶ق: ۴۰۷).

در مجموع باید گفت، رویارویی فکری در میان ادیان و در خود حوزه اسلامی در دو قرن نخست هجری آن‌چنان رشد نداشت که به بحث‌های مربوط به اعجاز قرآن دامن زند، اما پس از آن با پیدایش این‌گونه تحولات، برخی از دانشمندان مسلمان در مناطق مختلف اسلامی، در صدد پاسخ‌گویی به پرسش‌های مربوط به اعجاز قرآن و وجوه آن برآمدند. سید مرتضی یکی از این عالمان بود که در *بحبوحه جدل‌های کلامی یهودیان و مسیحیان*، نظریه صرفه را برگزید و برخی از آثار خود را بر همین اساس سامان داد.

۱-۲. مباحثات کلامی مکاتب اسلامی

اصل بحث از امکان یا عدم امکان معارضه با قرآن از هنگامه نزول در جامعه عرب مطرح بود. در سده‌های بعد، پیدایش مکاتب کلامی متنوع و پرسش‌های متکلمان مسلمان به این بحث دامن زد و زمینه‌ساز مجادلات متعدد در حوزه اعجاز قرآن و وجوه آن شد.

تحولاتی که در قرن سوم در مناطق اسلامی به وجود آمد، مسئله نبوت و دفاع از اعجاز قرآن را به بحثی جدی تبدیل کرد؛ بدین رو، فضایی پدید آمد که از آغاز قرن چهارم، ابوعلی جبائی و پیروانش مسائلی ویژه را درباره نبوت پیامبر ﷺ به نحوی روش‌مندتر پیش کشیدند. بدین ترتیب، تلاش‌های این گروه از متکلمان معتزله بصره در قالب بحث‌هایی چون «تثبیت دلائل النبوه»، نقطه آغازی برای نظریه‌پردازی متکلمان بعدی در این باب شد (مارتین، ۱۳۹۱: ۱۳۴ و ۱۴۰).

۱. اوج و حضيض معتزله و تأثیر آن در زندگی عمومی مسلمانان، مخالفت روزافزون شیعه با عرضه نظریه رقیب سیاسی که برای نظریه نبوت نتایجی به همراه داشت و تفاخر عرب‌ها به زبان و کتابشان در فضایی آمیخته با شک‌گرایی و رقابت‌های قومی و ادبی، از تحولات عمده قرن سوم در جامعه اسلامی بوده است (ر.ک: مارتین، ۱۳۹۱: ۱۴۰).

هر چند در اثنای قرن چهارم گروهی از سنیان با شیعیان بغداد دشمنی کردند و زندگی را بر معتزلیان تلخ ساختند، اما توفیق زیادی در سرکوب این دو فرقه نیافتند. تقویت جبهه تشیع و اعتزال با روی کار آمدن آل بویه از سوی و عدم انتشار مذهب اشعری تا حدود سال ۳۸۰ قمری در همه عراق از سوی دیگر، شرایط را متحول کرد (بارانی، ۱۳۹۲: ۹۶، به نقل از عبدالرحمان سالم، ۲۰۱۳: ۳۲۱؛ متز، ۱۳۸۸: ۲۳۴). بدین ترتیب در این برهه تاریخی، فرقه اعتزال فرصتی یافت تا بتواند بر فضای اعتقادی جامعه حاکم شود و برخی از نظریات دینی را در میان اقشار مختلف مذهبی پایه‌گذاری کند.

در قرن چهارم که اختلاف معتزله با عامه مسلمانان، محدود به مسائل کلامی بود و اعتزال در تقسیمات کلی مذهبی، گروه جداگانه‌ای به حساب می‌آمد، این فرقه در حلقه‌های فکری جهان اسلام، دو دیدگاه عمده حول محور نبوت حضرت محمد ﷺ و قرآن مطرح کرد. معتزله بصره، معجزه پیامبر ﷺ را مربوط به تفوق ناپذیری زبان قرآن می‌دانستند؛ اما گروهی از آن‌ها در بغداد، به پیروی از نظام، صرفه را ارائه کردند (متز، ۱۳۸۸: ۲۳۰ و ۲۳۲؛ مارتین، ۱۳۹۱: ۱۳۵ و ۱۳۶).

پس از ساخته شدن شهر بغداد و با مهاجرت جمعی از مردم کوفه به این شهر، تشیع در آن‌جا فعالیت جدی خود را آغاز کرد و به دلیل داشتن زمینه‌های مشترک عقلانی به تدریج به معتزله نزدیک شد. تماس‌های معتزله و شیعه، تأثیرات فراوانی را در هر دو سوی بر جای گذاشت. در این آمودشدها آنان با نقطه نظرات یکدیگر بیشتر آشنا شدند (جعفریان، ۱۳۷۲: ۵۴ و ۵۵). بدین رو، زمینه برای تفاهم بیشتر شیعه با معتزله و درگیر شدن در بحث و جدل فکری، به‌ویژه در تبیین وجه اعجاز قرآن فراهم شد. با پیدایش مکاتب کلامی و مجادلات بین فرقه‌ها، نظریه صرفه که آمیخته با اندیشه جدلی است، از سوی برخی متکلمان امامیه حامیانی پیدا کرد. شیخ مفید، پیشوای شیعیان امامیه بغداد و سید مرتضی، جانشین او در همان منصب، در آن زمان از این نظریه حمایت کردند (جعفریان، ۱۳۷۲: ۱۰۸).

نیاز به تبیین اعجاز قرآن در مباحثات کلامی و متناسب بودن نظریه صرفه برای اقناع جدلی مخاطبان، بر گزینش این دیدگاه از سوی سید تأثیر گذاشت تا جایی که نظریه معجزه قرآن را که تا اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم، پویا بود، به شیوه جدلی خود در علم کلام اسلامی حفظ کرد.

در روزگار اخیر و پس از گذشت سال‌ها از طرح نظریه صرفه، محققانی چون عایشه بنت الشاطی در صدد برآمده‌اند تا علت گرایش به آن را تحلیل کنند. این بانوی قرآن‌پژوه در کتاب *الاعجاز البینانی للقرآن*، پس از نقل گفتار فخر رازی درباره وجه اعجاز قرآن، دیدگاه ابن‌کثیر را

نسبت به صحت نظریه صرفه در مقام جدل و مباحثات بیان می‌کند و در ادامه می‌گوید: «مسئله صرفه تنها در زمینه جدل نظری مطرح شده و معتزله نیز - پس از نخستین نسل از پیشوایانشان - سرانجام این نظریه را در این مورد انتخاب کردند؛ اما معتبر دانستن صرفه به عنوان یکی از وجوه اعجاز، هرگز مانع تأمل در وجه دیگر اعجاز، یعنی اعجاز بلاغی نمی‌شود و کسانی از غیرمعتزله هم که در ذکر تمامی آرای متکلمان درباره اعجاز از نظریه صرفه نام برده‌اند، بلافاصله پس از آن مسئله اعجاز بلاغی قرآن را مورد توجه و اهتمام قرار داده‌اند» (بنت الشاطی، ۱۴۰۴ق: ۸۸ و ۸۹).

بر اساس این گفته، نظریه صرفه در مقام مجادله شکل گرفته و اعتقاد به آن، لزوماً همراه با بی‌توجهی به اعجاز بیانی نبوده است؛ کما این که برخی از حامیان صرفه، ضمن بیان این نظریه، از بلاغت و فصاحت قرآن نیز یاد کرده‌اند. با این همه در آستانه قرن پنجم، فضای جامعه و جدال شیعه با مخالفان درون‌دینی و برون‌دینی ایجاب کرد که سید مرتضی و برخی از هم‌مسلمانان او تنها به نظریه صرفه رو آورند و این دیدگاه را پا به پای اعجاز بیانی قرآن اشاعه دهند.

۲. زمینه علمی

چنانچه گفته شد، تاریخ فرق اسلامی نشان می‌دهد معتزله و به طور کلی مخالفان اهل حدیث از نخستین گروه‌هایی بودند که پرسش‌هایی در باب ذات، ماهیت و مبنای فهم قرآن طرح کردند. مهم‌ترین سوآلی که درباره قرآن، ذهن متکلمان معتزلی را از قرن دوم به بعد مشغول ساخت این بود که کدام ویژگی‌ها، کلام الهی را از آثار فصیحان، بلیغان، خطباء، شعرا و کاهنان متمایز می‌کند؟ (الشرفی، ۱۴۲۶ق: ۵۸۴).

بر این اساس، یکی از عوامل شکل‌گیری و نظریه‌پردازی در باب اعجاز قرآن، ایده‌های کلامی متکلمان معتزلی در قرن سوم بوده است. در این میان، بلاغت و فصاحت مربوط به متن قرآن چیزی نبود که از نظر آن‌ها دور بماند. بدین رو، حتی معتزلیان بغداد که چندان بر نظم قرآن تأکید نمی‌ورزیدند، در مقابله با گروهی که معجزه را در ذات زبان آن تصور می‌کردند، در اثبات اعجاز قرآن، به نکات بلاغی آن توجه داشتند.

گذشت که گروهی از دانشمندان معتزلی، همانند نظام و رمانی به همراه برخی از عالمان برجسته شیعی، مثل سید مرتضی که عموماً در ادبیات زبردست بوده‌اند، از قرون سوم تا پنجم برای اثبات اعجاز قرآن از این دانش بهره بردند. ویژگی‌های بلاغی قرآن و استناد برخی به آن‌ها در تحلیل اعجاز ذاتی از سویی و تخصص طرفداران صرفه در علوم ادبی از سوی دیگر، آن‌ها را واداشت تا در توجیه گروه نخست، از تمایزات صرفه با اعجاز بیانی استمداد جویند.

تأملات سید مرتضی در این خصوص، در لابه‌لای نوشته‌های وی در دفاع از صرفه نهفته است؛ چنان‌که با توجه به فصاحت و بلاغت متن قرآن می‌گوید: «قرآن به لحاظ فصاحت و بلاغت، با فصیح‌ترین کلام عرب نزدیکی زیادی دارد و به این دلیل، از نظر ما تفاوت قابل توجهی میان قرآن و کلام‌های عرب در این حوزه به چشم نمی‌خورد» (شریف مرتضی، ۱۴۱۱ق: ۳۸۱).

وی در جایی دیگر با لحنی منتقدانه نسبت به طرفداران اعجاز بیانی می‌نویسد: «کسانی که به صرفه معتقد نیستند و به جای آن وجوهی مانند فصاحت را وجه اعجاز قرآن می‌دانند، گرفتار اشکال‌هایی‌اند که نمی‌توانند خود را از آن‌ها رها کنند. از جمله اشکال‌های مطرح این است که از سویی، آورنده قرآن ادعا دارد قرآن کلام او نیست و دیگری آن را بر او القا کرده و از سوی دیگر، فصاحت این کلام، فصاحت معمول در میان عرب را خرق کرده است. (اما) آن‌ها که قائل به صرفه نیستند، نمی‌توانند ثابت کنند القاکننده قرآن بر پیامبر ﷺ، خدا بوده است، زیرا ممکن است این کلام را جن بر آورنده قرآن القا کرده باشد تا فصاحت معتاد در میان عرب را خرق کند» (شریف مرتضی، ۱۴۰۵ق، ۲: ۳۲۵؛ شریف مرتضی، ۱۴۲۴ق: ۱۳۸ و ۱۶۸).

بنابراین، سید تنها خرق عادت بودن را نشانه الهی بودن یک فعل نمی‌داند؛ این در حالی است که در باور او اگر وجه اعجاز صرفه باشد، چنین اشکالی پیش نخواهد آمد، زیرا معتقد است سلب علم و قدرت از فصیحان عرب برای منع آنان از معارضه با قرآن، به خدا اختصاص دارد و از عهده جن و فرشته برنمی‌آید. بنابراین همین که کسی نمی‌تواند همانندی برای قرآن بیابد و به رویارویی با آن برخیزد، مسئله خلاف عادت و در نتیجه معجزه است.

بدین ترتیب، نگرش کلامی ادبی سید مرتضی و تشخیص ویژگی‌های خاص صرفه از سوی او، عامل مؤثر دیگری در ارائه این نظریه بوده است. اثرگذارترین مؤلفه‌ها در این خصوص عبارتند از:

۲-۱. جدلی بودن نظریه صرفه

پیش از این آمد که در قرن چهارم، با ایجاد فضایی آزاد برای طرح مسائل اعتقادی، هر یک از فرقه‌های اسلامی به اظهار نظر در این باره پرداختند و دیدگاه‌های خود را نسبت به وجوه اعجاز قرآن بیان کردند. این مسئله به‌ویژه در آستانه حیات علمی سید مرتضی در عراق بروز پیدا کرد. بدین صورت، فضای تاریخی روزگار سید و لزوم مباحثات کلامی، و نیز جدلی بودن صرفه، علت طرح این نظریه را روشن می‌کند. در این فضای باز، سید آزادانه به محاجه پرداخت و در تبیین مسئله اعجاز و وجه صرفه، با طرح اشکال‌ها و پاسخ آن‌ها در اقناع مخاطب تلاش کرد. از آن‌جا که در ذات این نظریه حالت مجادله نهفته است، در گفتار سید مرتضی نیز این ویژگی محسوس است.

او بدون این‌که فرد معارض را درگیر مسئله اعجاز ذاتی قرآن کند، معجزه را همان ناتوانی وی در هم‌آوردی این کتاب ذکر می‌کرد؛ به عبارت دیگر، ضرورت اقناع طرف مقابل و مشکلات موجود در راه اثبات انواع دیگر وجوه اعجاز، او را بر آن داشت تا در مقام مجادله از طرف مقابل بخواهد کتابی مثل قرآن بیاورد. وی که نسبت به عملی نبودن این امر واقف بود، کوشید تا از این راه در اثبات اعجاز قرآن استفاده کند.

سید قصد داشت با بهره از نظریه صرفه در توجیه افرادی که ادعا می‌کردند آوردن کتابی مانند قرآن به دلیل تشابه حروف آن با الفبای زبان عربی، امکان‌پذیر است، اظهار کند آوردن مانند قرآن، ممتنع نیست؛ با این حال، نمی‌توان مثل آن آورد، چون خدا نمی‌گذارد. وی با این سخن، مخاطب را به سکوت وامی‌داشت و در جدال با او پیروز میدان می‌شد. او بدین وسیله نشان می‌داد هر چند مخالفان تاکنون درباره معجزه بودن قرآن تردید داشته و خواستار ارائه نشانه‌ای بر اعجاز آن بوده‌اند، اما در حال حاضر، آنچه موضوعیت دارد، بحث از چگونگی هم‌آوردی با قرآن و معارضه با آن است و این، چیزی است که باید از جانب خود مخالفان صورت گیرد. بنابراین، چنانچه برای آن‌ها مقدور نباشد، خود معترضان بازنده اصلی میدان خواهند بود. مسلماً قانع کردن مخالفان بدین شیوه چیزی نبود که در فضای بسته و آکنده از خفقان میسر شود و بر همین اساس، سید مرتضی توانست از فرصت فراهم‌شده به نحو مناسبی بهره‌برداری کرد.

او با در نظر گرفتن همین نکات در مقابله با مدعیان هم‌آوردی با قرآن می‌نویسد: «هر کس با حروف الفبا آشنایی دارد، با آوردن آن‌ها به دنبال هم نمی‌تواند شعر بگوید، زیرا علم شاعری ندارد.» و پس از آن، بحث معارضه با قرآن را مطرح می‌کند و یادآور می‌شود که قرآن هم به همین صورت از حروف و کلماتی تشکیل شده که در دسترس همه هست. با این حال، ساختن عبارت‌های موجود در آن بدون داشتن علوم لازم، عملی نیست» (شریف مرتضی، ۱۴۱۱ق: ۴۰۱ و ۴۰۲).

به واقع سید مرتضی در این‌جا به طور غیرمستقیم بر سلب دانش از سوی خدا در مقام معارضه تکیه کرده و امکان هم‌آوردی با قرآن را حتی با در اختیار داشتن حروف، محال می‌داند. سید نه تنها شیوه مجادله را در بیان اعجاز به کار می‌گیرد، بلکه معتقد است پیامبر ﷺ نیز بر همین اساس با عرب محاجه کرده است. او در این باره می‌نویسد: «در مسئله اعجاز قرآن، معلوم است که پیامبر با قرآن احتجاج می‌کرد و همگان را بدان فرا می‌خواند تا بر اساس آن به نبوت او استدلال کنند. او از عرب خواست که مثل قرآن را بیاورند و با یقین کامل گواهی داد که آنان هرگز نخواهند توانست چنین کنند و (در نهایت) پیامبر ﷺ ناتوانی آنان را دلیل نبوت خود قرار داد» (شریف مرتضی، ۱۴۲۴ق: ۲۵۳).

گفتنی است، هرچند با نگاه سطحی به رویکرد جدلی سید در اقناع مخاطب و عدم تمرکز وی بر اعجاز ذاتی قرآن، تصور می‌شود او با اصل اعجاز قرآن موافق نیست، اما واقعیت چیز دیگری است.

گفتار سید در کتاب *الموضح عقیده* او را به وضوح نشان می‌دهد: «سپاس خداوندی را که مذاهب مختلفی در وجه اعجاز قرآن قرار داد. آن‌ها گرچه متنوعند، اما همگی در معجزه بودن قرآن و اثبات نبوت پیامبر ﷺ اتفاق نظر دارند، و ستایش خدایی را که زمینه تبادله مسائل و پاسخ آن‌ها را فراهم کرد. گرچه به برخی از مذاهب در تبیین اعجاز قرآن، ایرادهایی وارد است و در درستی بعضی از آن وجوه تردیدهایی وجود دارد، اما هیچ‌یک از آن‌ها منکر اصل اعجاز نیست، زیرا هیچ فرقی ندارد که بگوییم قرآن به واسطه فصاحت و نه نظم، خارق عادت است یا این‌که بگوییم این ویژگی آن، به خاطر نظم است نه فصاحت. هم‌چنین تفاوتی نمی‌کند که بگوییم چون قرآن متضمن اخبار غیبی است، معجزه است یا از آن‌جا که خدای تعالی عرب را از آوردن مثل قرآن منصرف کرده و علم آن را از ایشان سلب کرده، خارق العاده است، زیرا همه این وجوه به اعجاز قرآن و صدق دعوی رسول اکرم ﷺ دلالت دارد و اگر اختلافی هست، به دلیل تفاوت در روش‌هاست» (شریف مرتضی، ۱۴۲۴ق: ۴۵). سخن دیگر او هم نمایان‌گر همین مسئله است؛ آن‌جا که می‌گوید: «اگر خدای تعالی عرب را از معارضه با قرآن منصرف نمی‌کرد، اعجاز نزد ما باطل بود» (شریف مرتضی، ۱۴۲۴ق: ۱۲۶).

۲-۲. نبود معیارهای غیرذوقی برای سنجش میزان بلاغت متن

درک و فهم فصاحت و بلاغت هر متنی، با ذوق و قریحه مخاطب آن متن در ارتباط است. این مسئله درباره قرآن نیز صادق است. تاریخ نشان می‌دهد تا پیش از قرن سوم هجری، معیارهای ذوقی ملاک اصلی در بیان ویژگی‌های این کتاب آسمانی و توصیف خصوصیات آن بوده است. در این دوره، یعنی پیش از شکل‌گیری نقد ادبی و تدوین آن، کمتر تلاشی برای عرضه معیارهای مشخص ادبی از جنبه اعجازی قرآن دیده می‌شد.

مطالعات ادبی از قرن دوم به بعد، زمینه مناسبی برای طرح و گسترش دیدگاه اعجاز بیانی پدید آورد. با این حال، در هیچ‌یک از آثار نخستین، توجهی به اعجاز قرآن نشد و تنها برای شناخت زبان قرآن و قاعده‌مند کردن آن تلاش‌هایی صورت گرفت. عبدالقاهر جرجانی (م. ۴۷۴ق) با تحولی در ادبیات عرب که نگاهی صرفاً قالبی به زبان داشت، آن را به سوی دانش بلاغت سوق داد و به خدمت تفسیر بیانی قرآن درآورد. بدین ترتیب، رویکرد وی در زبان‌شناسی

عربی نقطه عطفی به شمار رفت که به وسیله آن توانست تصویری هنری از آرایه‌های ادبی در زبان ترسیم کند. او بر همین اساس، در کتاب *اعجاز القرآن*، به تبیین نظریه‌های ادبی پرداخت و در این خصوص از تشبیه و استعاره سخن به میان آورد. وی قصد داشت از معیارهای غیرذوقی در سنجش بلاغت قرآن بهره برد و از این طریق، معجزه بودن آن را ثابت کند.

پس از ارائه نظریه نظم از سوی جرجانی، به مرور زمان تکیه بر ملاک‌های سلیقه‌ای رو به افول رفت. این مسئله نشان داد گرچه درک زیبایی قرآن همانند شعر، تا حدود زیادی نیازمند ذوق ادبی است و بدون آن، به سختی می‌توان زیبایی متن را به خواننده منتقل کرد، اما خارق‌العاده بودن کلام الهی را نسبت به کلام بشری می‌توان از راه دیگری هم ثابت کرد. چنین رویکردی به قرآن، زمینه انتخاب نظریه صرفه را از سوی ادیبانی چون سید مرتضی فراهم کرد. یکی از امتیازهای صرفه نسبت به وجوه بیانی قرآن، آن بود که به جای تکیه بر ملاک‌های ذوقی، بر اساس چارچوب‌های معینی به اثبات اعجاز می‌پرداخت. با این همه، با توجه به جو حاکم در جامعه اسلامی و نیاز به داشتن رویکردی جدلی در تفهیم اعجاز قرآن، اگر باورمندان به صرفه قبل از دوره جرجانی می‌زیستند، احتمال داشت از نظریه اعجاز بیانی هم در بحث‌های جدلی استفاده کنند و با توجه به تدوین اصطلاحات و صناعات ادبی، از بحث معیارهای ذوقی فراتر روند.

۲-۳. مشکل تفهیم امتناع هموردی با قرآن

گفتیم که متکلمان تا پیش از ظهور جرجانی، به خاطر عدم تدوین اصطلاحات ادبی، در اثبات زیبایی متن قرآن با مشکلاتی روبه‌رو بودند. این مسئله در حوزه بحث امتناع هموردی با قرآن خیلی جدی‌تر مطرح شد، زیرا بدون تکیه بر آرایه‌های ادبی، تشخیص اختلاف متن قرآن با متون هم‌وزن آن، آسان به نظر نمی‌رسید و تنها برای بخش محدودی از مخاطبان قابل فهم بود. این مشکل در اصل از دو چیز نشئت می‌گرفت؛ یکی، ویژگی سهل و ممتنع بودن زبان قرآن و دیگری، حضور مخالفان غیرعرب در مجادلات کلامی.

نظر به اهمیت این دو مقوله، هر یک از آن‌ها به تفکیک بررسی می‌شود.

۲-۳-۱. سهل و ممتنع بودن زبان قرآن

به منظور آسان‌سازی درک بلاغت قرآن با وجود پیچیدگی‌های آن، محققان بسیاری از زمان‌های دور به نگارش کتاب‌هایی روی آورده‌اند که بلاغت این کتاب و اسرار آن را نشان دهند. *اعجاز القرآن البیانی* از محمد بن زید واسطی، متکلم امامی (م. ۳۰۷ق)، *اعجاز القرآن* از

ابوبکر محمد بن طیب باقلانی اشعری (م. ۴۰۳ق)، *أسرار البلاغه فی علم البیان* از عبدالقاهر جرجانی معتزلی (م. ۴۷۱ق)، *الطراز فی أسرار البلاغه و حقائق الاعجاز* از یحیی بن حمزه علوی زیدی (م. ۷۴۹ق)، *اعجاز القرآن و البلاغه النبویه* از مصطفی صادق رافعی (م. ۱۹۳۷) و *الاعجاز البیانی للقرآن الکریم* از عایشه عبدالرحمن بنت الشاطی (م. ۱۹۹۸)، از مهم‌ترین کتب درخور تأمل به شمار می‌آیند.

اما علی‌رغم تألیفات زیاد در این حوزه، کمتر نگارشی به کامیابی کامل رسیده است. شاید این اشکال بدان جهت است که موضوع اعجاز قرآن، غالباً در فضای اقناعی و شرایطی که مخاطبان آن‌ها خیلی جدی نبوده‌اند، پذیرفته شده و نظریهٔ اعجاز بیانی در همین موقعیت شکل گرفته است. با این نگاه به نظر می‌رسد تبیین وجه ادبی قرآن با وجود دشواری‌های قواعد آن، برای هر مخاطبی قانع‌کننده نبوده است. از همین رو، تفهیم امتناع هم‌وردی با قرآن از سوی قائلان به اعجاز بیانی، سال‌ها پس از تدوین نظریهٔ نقد ادبی هم، مشکلاتی به همراه داشته است. این در حالی است که اثبات معجزهٔ قرآن با راه‌کار صرفه، نیاز به مواجهه با ویژگی‌های خاص زبان قرآن نداشت و به دلیل تأثیر بر بخش اعظم مخاطبان، کارآمدی آن نسبت به دیگر وجوه اعجاز، قطعی‌تر به نظر می‌رسید.

سید مرتضی بر همین اساس و با آگاهی از خصوصیات زبان قرآن، در فصلی از کتاب *الموضح عن جهة اعجاز القرآن*، با عنوان «ردّ اقوال قاضی عبدالجبار» می‌کوشد تا اهمیت تکیه بر صرفه را در اثبات اعجاز قرآن نشان دهد. او می‌نویسد: «اگر عرب را خدای تعالی از معارضه منصرف نمی‌کرد، به هر صورت، نوعی از اشتباه و التباس پدید می‌آمد؛ چه معارضهٔ آن‌ها، مماثلۀ حقیقی بود و چه مقاربه، ادعا می‌کردند که مماثل است و با این ادعا برای کسانی که در غایت فصاحت نبودند، ایجاد شبهه می‌کردند و بین آنچه می‌آوردند و قرآن کریم، تفاوتی قائل نبودند. (اما ما می‌دانیم که اکثر مردم جز اندکی از آنان نمی‌توانند آن دو کلام را از یکدیگر تشخیص دهند و برای تمایز آن‌ها باید به غیر مراجعه کنند و اگر آن غیر، ادعا کند که آن‌ها مساوی و مماثل هستند، شبهه با قوت بیشتری راه آگاهی به اعجاز را می‌بندد» (شریف مرتضی، ۱۴۲۴ق: ۲۶۲).

از گفتهٔ سید چنین برمی‌آید که وی صرفه را بهترین راه برای تفهیم امتناع هم‌وردی با قرآن می‌شناسد؛ از این رو، در مواجهه با مخالفان به آن پناه می‌برد و بر این تأکید می‌کند که وجه اعجاز باید به گونه‌ای باشد که نتوان خارق‌العاده بودن آن را به غیر خدا نسبت داد. لذا هر که در آن می‌نگرد، باید دریابد که چنین فعلی با چنان ویژگی به خدا اختصاص دارد (شریف مرتضی، ۱۴۰۵ق، ۲: ۳۲۳-۳۲۵). او در نوشته‌های خود هم بر این امر اذعان دارد که خداوند در

زمان معارضه، علومی را از آدمی می‌گیرد که وی عادتاً واجد آن است و با توجه به این که گرفتن علم از بشر تحت قدرت هیچ مخلوقی نیست، او فعل خدا را در وجود خود می‌یابد و الهی بودن قرآن برای او روشن می‌شود (؛ شریف مرتضی، ۱۴۱۱ق: ۳۹۳؛ شریف مرتضی، ۱۴۲۴ق: ۲۵۱).

از آن‌جا که نزد سید هیچ‌یک از وجوه مشهور اعجاز قرآن، بر خارق عادت و الهی بودن این کتاب آسمانی دلالت نمی‌کنند و از این جهت که باور دارد دانش افراد در زمان معارضه تنها از جانب خدا سلب می‌گردد، معجزه قرآن را در پرتو همین انصراف تبیین می‌کند و مسئله امتناع معارضه با قرآن را به سادگی با طرح نظریه صرفه توضیح می‌دهد.

بدین ترتیب، برخلاف برخی از باورمندان به اعجاز قرآن که در اثبات این نظر و اقناع مخاطب، خود را به سختی می‌افکنند، با انتخاب نظریه صرفه راه هموارتری را برمی‌گزینند؛ این در حالی است که تقریرهای گوناگون اعجاز بیانی، عموماً برای مخاطبان، پیچیده و ناملموس است و آن‌ها را به راحتی متقاعد نمی‌کند.

۲-۳-۲. حضور مخالفان غیرعرب در مجادلات

یکی دیگر از مسائلی که فرقه اعتزال را در اثبات اعجاز قرآن با مشکلاتی روبه‌رو می‌کرد، غیرعرب بودن مخاطبان آن‌ها بود. بدین رو، پیروان معتزله به دنبال وجهی از اعجاز بودند که برای ناآشنایان به زبان قرآن هم قابل درک باشد. در این میان، برخی از متکلمان این فرقه، به همراه عالمانی از امامیه چون سید مرتضی، راهی جز گزینش صرفه نیافتند.

اگر سید قصد داشت معجزه بودن قرآن را بر مبنای فصاحت و بلاغت آن ثابت کند، می‌بایست علت تمایز کلام الهی با کلام بشری را به وضوح نشان می‌داد، در حالی که آن، کار ساده‌ای نبود و حداقل نیازمند آن بود که مخاطب او، زبان عربی را به خوبی بداند؛ هرچند امکان داشت چنین فردی هم به درک کامل این مسئله نایل نگردد یا همانند خود سید که ادیبی برجسته است، صرفه را مناسب‌ترین وجه اعجاز بیابد. از این رو، با شناختی که سید مرتضی از متون عرب داشت، پس از بیان اختلاف نظر برخی از علمای ادب در تشخیص برتری اشعار «جریر» و «فرزدق» نسبت به هم فرمود: «اگرچه این علما در آنچه بیان کردیم، اختلاف نظر دارند، اما در این که کلام‌های عرب (در فصاحت) نزدیک به هم هستند، متفقند. (از این رو) هر کس یکی را بر دیگری برتری دهد، به قرابت میان آن‌ها هم اعتراف می‌کند.»

سید بر همین اساس مخاطبان خود را از تشخیص برتری قرآن بر مانند آن، ناتوان می‌دید و مطرح کردن اعجاز بیانی را در مجادله با آن‌ها به مصلحت نمی‌دانست؛ لذا در مقابل وجه بیانی و

در تأکید بر صرفه تصریح کرد که: «... اگر پیامبر ﷺ با آن‌ها تحدی می‌کرد، امکان پیروزی (مخالفان) وجود نداشت، چون راه علم به آوردن مانند قرآن برای آن‌ها بسته بود» (شریف مرتضی، ۱۴۲۴ق: ۶۶).

رویکرد جدلی سید در تبیین وجه اعجاز از سوی و غیرعرب بودن مخاطبان از سوی دیگر، عامل مهمی بود تا صرفه را بر دیگر وجوه ترجیح دهد. او در این مسیر، دیگر نیازی به کاربرد اصطلاحات تخصصی در اثبات اعجاز بیانی قرآن و برتری زبان آن نداشت. وی که معتقد بود در مجادلات کلامی، مخالفان، بدون درک زبان قرآن هم، می‌توانند به راحتی مشکل بودن امتناع هم‌اوردی با قرآن را بپذیرند، صرفه را به عنوان مهم‌ترین وجه اعجاز مطرح کرد. با توجه به نگرش سید به نظر می‌رسد که وی قصد داشت با طرح صرفه، معجزه بودن قرآن همه‌فهم‌پذیر و فرازمانی شود و به سهولت قابل ارائه و تبیین گردد.

نتیجه‌گیری

بررسی علل گزینش نظریه صرفه از سوی سید مرتضی نشان می‌دهد که عمده‌ترین دلایل پذیرش این نظریه از سوی او، شرایط تاریخی و ویژگی‌های ذاتی این دیدگاه است. در روزگار سید، بحث اعتبار کتب مقدس در میان یهودیان و مسیحیان و نیاز به اقتناع آن‌ها در بحث اعجاز قرآن، زمینه مجادلات کلامی را نه تنها میان مسلمانان و ادیان دیگر، بلکه در بین فرق اسلامی نیز فراهم کرد. بدین رو، جو حاکم بر فضای جامعه اسلامی، پیدایش مکاتب کلامی و نیاز به مجادله با مخالفان درون‌دینی و برون‌دینی بر گزینش نظریه صرفه که آمیخته با اندیشه جدلی است از سوی برخی متکلمان امامیه مانند سید مرتضی تأثیر گذاشت. طرح مباحث نقد ادبی و نیاز به تکیه بر معیارهای غیرذوقی در سنجش بلاغی قرآن هم در انتخاب صرفه بی‌تأثیر نبود. سید با انتخاب نظریه صرفه، می‌خواست بدون دخالت ملاک‌های سلیقه‌ای، خارق‌العاده بودن کلام الهی را نسبت به کلام بشری ثابت کند. وی با اعتقاد بر عمومیت فهم‌پذیری صرفه و عدم نیاز به درک زبان قرآن در قبول اعجاز آن، ضمن بهره‌مندی از فضای آزاد برای مجادلات کلامی، تلاش می‌کرد تا معجزه را همان ناتوانی افراد در هم‌اوردی با این کتاب نشان دهد و این موضوع را به ساده‌ترین شکل برای مخالفان غیرعرب تبیین کند. وی که مخاطبان خود را از تشخیص برتری قرآن بر مانند آن، ناتوان می‌دید، طرح اعجاز ذاتی را در مجادلات، مناسب نمی‌دانست. سید قصد داشت در اقناع مخاطبان خود به جای تأکید بر تقریرهای گوناگون اعجاز بیانی که عموماً پیچیده است، آن‌ها را به راحتی با صرفه متقاعد کند.

منابع

- قرآن کریم.
۱. آقایی، علی، (۱۳۸۷)، «سیر تاریخی اندیشه اعجاز قرآن؛ ترجمه مدخل همتاپذیری دائرةالمعارف اسلامی»، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۵۴ و ۵۵.
 ۲. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، (۱۳۴۸ق)، الفهرست، مصر، المطبعة الرحمانية.
 ۳. ابوزهره، محمد، (۱۴۱۸ق)، المعجزة الكبرى القرآن، قاهره، دارالفکر العربی.
 ۴. الحمصی، نعیم، (۱۴۰۰ق)، فکرة اعجاز القرآن من البعثة إلى عصرنا الحاضر، بیروت، مؤسسة الرسالة.
 ۵. الرفاعی، مصطفی صادق، (۱۴۲۱ق)، اعجاز القرآن و البلاغة النبویه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
 ۶. الشرفی، عبدالمجید، (۱۴۲۶ق)، الفکر الإسلامی فی الرد علی النصارى إلى نهاية القرن الرابع، بیروت، دارالمدار الإسلامی.
 ۷. الکندی، عبدالمسیح، (بی تا)، رسالة عبدالله بن اسماعیل الهاشمی الی عبدالمسیح بن اسحاق الکندی يدعوہ بها إلى الإسلام و رسالة الکندی إلى الهاشمی یرد بها علیه، و يدعوہ إلى النصرانیة، بی جا، بی نا.
 ۸. ایجی، میرسیدشریف، (۱۳۲۵ق)، شرح المواقف، قم، الشریف الرضی.
 ۹. بارانی، محمدرضا، (۱۳۹۲)، بررسی تاریخی فکری و سیاسی امامیه یا فرقه‌های معتزله، حنابلہ و اشاعره در عصر آل بویه در بغداد، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 ۱۰. بنت الشاطی، عائشه عبدالرحمن، (۱۴۰۴ق)، الاعجاز البیانی للقرآن، قاهره، دارالمعارف.
 ۱۱. پارسا، فروغ، (۱۳۸۹)، «روحانیت مسیحی و تداوم رویکرد جدلی نسبت به قرآن کریم»، بیانات، سال هفدهم، شماره ۲.
 ۱۲. تفتازانی، سعدالدین، (۱۴۰۹ق)، شرح المقاصد، قم، الشریف الرضی.
 ۱۳. جاحظ، عمرو بن بحر، (۱۳۸۸ق)، الحيوان، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
 ۱۴. جعفریان، رسول، (۱۳۷۲)، مناسبات فرهنگي معتزله و شيعه تا آغاز دوره انحلال معتزله در شيعه، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
 ۱۵. حمّصی رازی، سدیدالدین، (۱۳۷۶)، المعتمد من مذهب الشيعة الإمامیه، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
 ۱۶. خفاجی، عبدالله بن سنان، (۱۳۷۲ق)، سرّ الفصاحة، قاهره، مكتبة و مطبعة محمدعلی صبيح و اولاده.
 ۱۷. سبحانی، جعفر، (۱۴۱۲ق)، الإلهيات علی هدى الكتاب و السنة و العقل، قم، المركز العالمی للدراسات الإسلامیه.
 ۱۸. سیوطی، جلال‌الدین، (۱۴۲۱ق)، الإیتقان فی علوم القرآن، بیروت، دارالكتاب العربی.
 ۱۹. شریف مرتضی، علی بن الحسین، (۱۳۸۷ق)، جمل العلم و العمل، نجف، مطبعة الآداب.
 ۲۰. _____، (۱۴۰۵ق)، رسائل الشریف المرتضی، قم، دارالقرآن الکریم.

۲۱. _____ (۱۴۱۱ق)، الذخيرة في علم الكلام، قم، مؤسسة النشر الإسلامي.
۲۲. _____ (۱۴۲۴ق)، الموضح عن جهه اعجاز القرآن، مشهد، آستان قدس رضوی.
۲۳. کریمی نیا، مرتضی، (۱۳۹۲)، «ریشه‌های تکوین نظریه اعجاز قرآن و تبیین وجوه آن در قرون نخست»، پژوهش‌های قرآن و حدیث، سال چهل و ششم، شماره ۱.
۲۴. مارتین، ریچارد، (۱۳۹۱)، «نقش معتزله بصره در شکل‌گیری نظریه اعجاز قرآن»، مترجم: مهرداد عباسی، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۴.
۲۵. متز، آدام، (۱۳۸۸)، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری یا رنسانس اسلامی؛ ترجمه الحضارة الإسلامية فی قرن الرابع الهجرى أو عصر النهضة فی الإسلام، مترجم: علی‌رضا ذکاوتی‌زاده قراگوزلو، تهران، امیرکبیر.
۲۶. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۲۷. معرفت، محمدهادی، (۱۴۱۵ق)، التمهيد في علوم القرآن، قم، مؤسسة النشر الإسلامي.
۲۸. مفید، محمد بن نعمان، (۱۴۱۳ق)، اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات، قم، مؤسسه مطالعات اسلامی.
۲۹. مؤدب، رضا، (۱۳۷۹)، اعجاز القرآن در نظر اهل بیت عصمت عليهم السلام و بیست نفر از علمای بزرگ، قم، أحسن الحديث.
30. Martin, Richard (2002), "Inimitability" in *Encyclopedia of the quran*, new ed. , Brill, Liden,
31. Von Grunebaum, G. E., (1986). "i'djāz" in *The Encyclopaedia of Islam*, 2nd edition, vol. 3, Brill, Leiden.

منابع دیگر مورد مطالعه:

- بدوی، عبدالرحمان، (۱۳۷۴)، تاریخ اندیشه‌های کلامی در اسلام، مترجم: حسین صابری، مشهد، آستان قدس رضوی.
- طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۰ق)، تمهید الأصول در علم کلام اسلامی، مترجم: عبدالمحسن مشکوة‌الدینی، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
- نعمانی، شبلی، (۱۳۸۶)، تاریخ علم کلام، مترجم: سید محمدتقی فخر داعی گیلانی، تهران، اساطیر.